

گزارش نقض حقوق بشر در ایران در شهریور ۱۴۰۴

خلاصه گزارش موارد نقض حقوق بشر در شهریور ۱۴۰۴

- **اعدام‌ها:** اجرای حکم اعدام دست کم ۱۹۶ زندانی، از جمله ۲ زندانی سیاسی و عقیدتی و اعدام ۷ زن
- **احکام اعدام:** صدور حکم اعدام برای ۹ زندانی از جمله ۱ زندانی سیاسی و تأیید حکم اعدام ۴ زندانی دیگر توسط دیوان عالی کشور
- **بازداشت‌ها و مرگ در زندان:** بازداشت دست کم ۸۵ شهروند، فوت ۷ زندانی بدلیل عدم رسیدگی پزشکی در زندان‌ها
- **مجازات‌های غیرانسانی:** صدور حکم شلاق برای ۴ متهم
- **احکام علیه زندانیان سیاسی و عقیدتی:**
 - صدور حکم حبس و جزای نقدی برای ۲۷ متهم سیاسی و عقیدتی، جمعاً معادل ۵۷ سال و ۴ ماه و ۴ روز زندان
 - بازداشت دست کم ۴ محکوم سیاسی جهت اجرای حکم
 - جزای نقدی مجموعاً معادل سیصد و هشتاد میلیون تومان
- **کارگران فوت ۳۴ کارگر و مصدومیت دست کم ۴۵ کارگر بر اثر حوادث ناشی از کار، اخراج دست کم ۱۷۰ کارگر**
- **زنان:** ۱۳ مورد خشونت و قتل علیه زنان
- **اعتراضات و حرکات‌های مدنی:**
 - برگزاری بیش از ۴۲۰ تجمع، راهپیمایی و حرکت اعتراضی توسط اقشار مختلف مردم
 - ادامه‌ی کارزار اعتصاب غذای هفتگی «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» در ۵۲ زندان کشور، در هشتاد و هفتمین هفته اعتراض علیه اعدام‌ها
 - تداوم تجمع‌های اعتراضی خانواده‌های زندانیان سیاسی در اعتراض به صدور احکام اعدام
 - استمرار اعتراضات بازنشستگان و دیگر اقشار جامعه

مقدمه:

سونامی اعدام‌ها در شهریور ۱۴۰۴: لیگ حقوق بشر زندانیان ایران، در تازه‌ترین گزارش خود آمار نقض حقوق بشر مربوط به ماه شهریور را منتشر کرد. گزارش حاضر به بررسی نقض حقوق بشر در ایران می‌پردازد؛ در شهریور ماه دست کم ۱۹۶ نفر، از جمله زندانیان سیاسی، عقیدتی و متهمان امنیتی، جان خود را بر اثر اجرای حکم اعدام از دست دادند؛

رقمی بی‌سابقه که در مقایسه با ماه‌های پیشین جهشی چشمگیر را نشان داده و از دهه ۶۰ به بعد بی‌سابقه و بیانگر تشدید سیاست ارباب حکومتی است. بنابراین دست کم ۸۶۲ زندانی از ۶ ماه نخست سال ۱۴۰۴ در زندانهای مختلف اعدام شدند. جمهوری اسلامی از ابتدای سال دست کم ۳۰ زندانی زن را اعدام کرده است که ۷ مورد در ماه اخیر صورت گرفته است.

افزایش هشدار دهنده و افسارگسیخته‌ی اعدام‌ها در بستر بحران‌های عمیق داخلی و فشارهای منطقه‌ای رخ می‌دهد؛ جایی که حکومت جمهوری اسلامی برای جبران ضعف ساختاری و فروپاشی مشروعیت اجتماعی خود، چرخه مرگ را بی‌وقفه به کار گرفته است. اعدام‌های گسترده نه اجرای عدالت، بلکه بخشی از یک استراتژی خشونت سازمان‌یافته است که هم‌زمان با مجازات‌های دیگری چون شلاق، شکنجه، بازداشت‌های خودسرانه و مرگ در بازداشتگاه‌ها، نشانگر نقض نظام‌مند حقوق بنیادین بشر از حق حیات تا منع شکنجه به شمار می‌آید. این سونامی اعدام‌ها صرفاً به حذف مخالفان سیاسی محدود نمانده و لایه‌های مختلف جامعه را دربر گرفته است، افزایش شدید آمار اعدام زندانیان جرایم عادی، که خود محصول سیاست‌های غلط و جرم زای حکومتی هستند، جنبه دیگری از قتل‌های حکومتی است. با وجود این، مقاومت در برابر سیاست مرگ نیز پررنگ‌تر شده است. کارزارهایی نظیر «سه‌شنبه‌های نه به اعدام»، همراه با اعتراضات خانواده‌ها، کارگران، بازنشستگان و گروه‌های اجتماعی، گواهی بر تداوم ایستادگی جامعه در برابر خشونت حکومتی و مطالبه‌ی عدالت، آزادی و کرامت انسانی است. لیگ حقوق بشر زندانیان ایران، با ابراز نگرانی عمیق نسبت به روند فزاینده نقض حقوق بشر در ایران، از جامعه بین‌المللی و نهادهای حقوق بشری درخواست می‌کند تا برای حفظ جان شهروندان، مقابله با موج سرکوب و جلوگیری از گسترش اعدام‌ها، اقدامات مؤثر و فوری اتخاذ نمایند.

۱. تحلیل جامع اعدام‌ها

آمار کلی اعدام‌ها

- فروردین ۱۴۰۴: ۸۶ اعدام
- اردیبهشت ۱۴۰۴: ۱۷۲ اعدام
- خرداد ۱۴۰۴: ۱۴۴ اعدام
- تیر ۱۴۰۴: ۸۸ اعدام
- مرداد ۱۴۰۴: ۱۷۶ اعدام
- شهریور ۱۴۰۴: ۱۹۶ اعدام

بر اساس داده‌های گردآوری‌شده از سوی «مرکز آمار لیگ حقوق بشر زندانیان ایران»، تنها در شهریورماه ۱۴۰۴ دست کم ۱۹۶ زندانی در زندان‌های مختلف کشور اعدام شدند. ترکیب این اعدام‌ها

بیانگر ابعاد گسترده و چندلایه بحران است: یک زندانی سیاسی، یک زندانی عقیدتی، یک متهم به جاسوسی، ۱۰۴ زندانی در ارتباط با جرایم مواد مخدر، ۸۸ نفر با اتهام قتل، و یک نفر به اتهام تجاوز. از جمله موارد شاخص، اعدام **مهران بهرامیان**، زندانی سیاسی و از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ است که به اتهام «محاربه» و «افساد فی‌الارض» در زندان اصفهان به دار آویخته شد. همچنین یک زندانی عقیدتی به اتهام عضویت در داعش اعدام شد. این موارد نشان می‌دهد که دستگاه قضایی جمهوری اسلامی همچنان طیف وسیعی از زندانیان، از معترضان سیاسی گرفته تا اقلیت‌های مذهبی و قومی، را هدف قرار می‌دهد.

همچنین باید افزود که در گزارش مردادماه، پس از انتشار آمار اولیه، ۴ مورد دیگر از اعدام‌ها توسط «لیگ حقوق بشر زندانیان ایران» شناسایی و افشا گردید؛ موضوعی که بار دیگر بر گستردگی شکاف میان داده‌های رسمی و واقعی تأکید می‌کند.

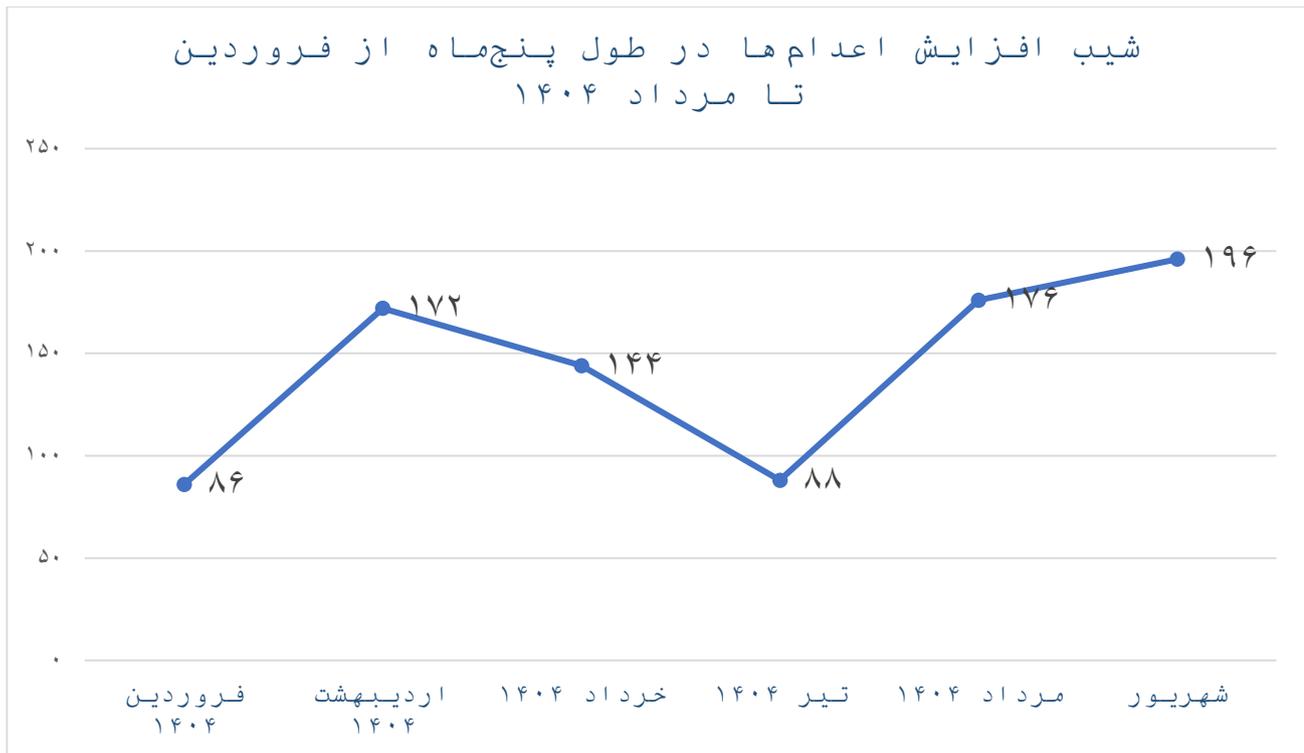
نگاهی به آمار شش ماه نخست سال ۱۴۰۴ تصویر نگران‌کننده‌تری را آشکار می‌سازد: از فروردین تا پایان شهریور، دست کم ۸۶۳ نفر در ایران اعدام شده‌اند؛ این در حالی است که در بازه زمانی مشابه سال گذشته (۱۴۰۳) تنها ۳۹۴ مورد ثبت شده بود. به عبارت دیگر، شمار اعدام‌ها در نیمه نخست امسال حدود ۱۱۸ درصد افزایش یافته است. افزون بر این، تعداد اعدام‌ها در ملاء عام طی این مدت برابر با کل آمار سال گذشته است که نشان‌دهنده شدت گرفتن استفاده حاکمیت از نمایش‌های خشن برای ایجاد فضای رعب و ارعاب اجتماعی است.

ویژگی مهم دیگر این آمار، **فاصله چشمگیر میان ارقام رسمی و واقعی** است. از میان ۱۹۶ اعدام ثبت‌شده در شهریور، تنها ۸ مورد توسط رسانه‌ها و نهادهای حکومتی اعلام شده و ۱۸۸ مورد دیگر به همت نهادهای حقوق بشری مستقل، خبرنگاران و خانواده‌ها افشا گردیده است. این شکاف آشکار نشان‌دهنده سیاست **پنهان‌کاری سیستماتیک** جمهوری اسلامی در خصوص اجرای احکام مرگ است؛ سیاستی که هدف آن جلوگیری از جلب توجه افکار عمومی و کاهش فشارهای بین‌المللی است. بُعد دیگری که در آمار شهریورماه برجسته می‌شود، اعدام ۷ زن است؛ آماري که تداوم اجرای احکام اعدام علیه زنان را نشان می‌دهد، در شرایطی که بارها جامعه جهانی بر شکنندگی موقعیت حقوقی و اجتماعی آنان در نظام قضایی جمهوری اسلامی تأکید کرده است.

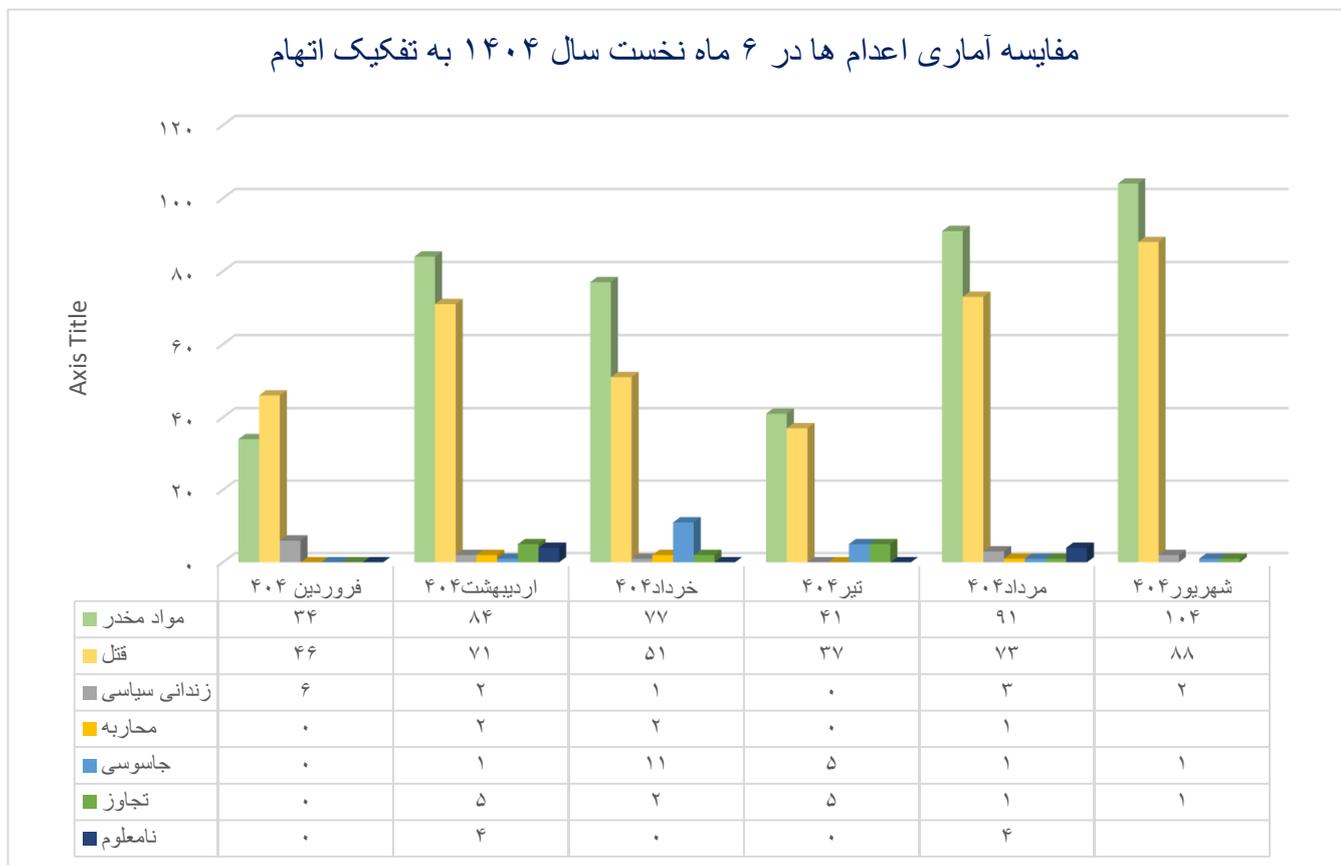
همچنین دست کم ۴۷ نفر از **اقلیت‌های قومی** اعدام شدند که از این میان ۱۹ نفر بلوچ و ۲۸ نفر کرد بودند. این ارقام علاوه بر بازتاب تبعیض ساختاری و هدف‌گیری نظام‌مند اقلیت‌های اثنیکی، حاکی از نقض فاحش اصول دادرسی عادلانه است. در بسیاری از این پرونده‌ها گزارش‌هایی از شکنجه برای اخذ اعترافات اجباری، صدور احکام بر اساس اتهامات امنیتی مبهم و محرومیت متهمان از حق دسترسی به وکیل مستقل وجود دارد.

مجموعه این داده‌ها بیانگر آن است که جمهوری اسلامی در مواجهه با بحران سیاسی و اجتماعی رو به گسترش، به جای اصلاح ساختاری و گفت‌وگو با جامعه، **ابزار اعدام را برای ایجاد هراس و کنترل اجتماعی به کار گرفته است**. شتاب بی‌سابقه در اجرای احکام مرگ، همزمان با سرکوب اقلیت‌ها و زنان، نشان می‌دهد که اعدام نه یک «فرآیند قضایی»، بلکه **سلاحی سیاسی برای بقا در استان حاکمیت است**.

نمودار زیر تغییرات آمار اعدام در طول پنج ماه اول سال ۱۴۰۴ را نشان می‌دهد.



تحلیل بر اساس نوع اتهام:



از میان ۱۹۶ مورد اعدام ثبت شده در شهریورماه ۱۴۰۴، تنها ۸ مورد به طور رسمی از سوی رسانه‌ها و نهادهای حکومتی اعلام گردیده است؛ در حالی که ۱۸۸ مورد دیگر توسط «لیگ حقوق بشر زندانیان ایران»، نهادهای مستقل حقوق بشری، خبرنگاران و خانواده‌های قربانیان افشا شده‌اند. این شکاف آشکار میان آمار رسمی و مستندات مستقل بار دیگر نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی با پنهان کاری سیستماتیک می‌کوشد ابعاد واقعی بحران اعدام‌ها را از افکار عمومی داخلی و فشارهای بین‌المللی پنهان نگاه دارد.

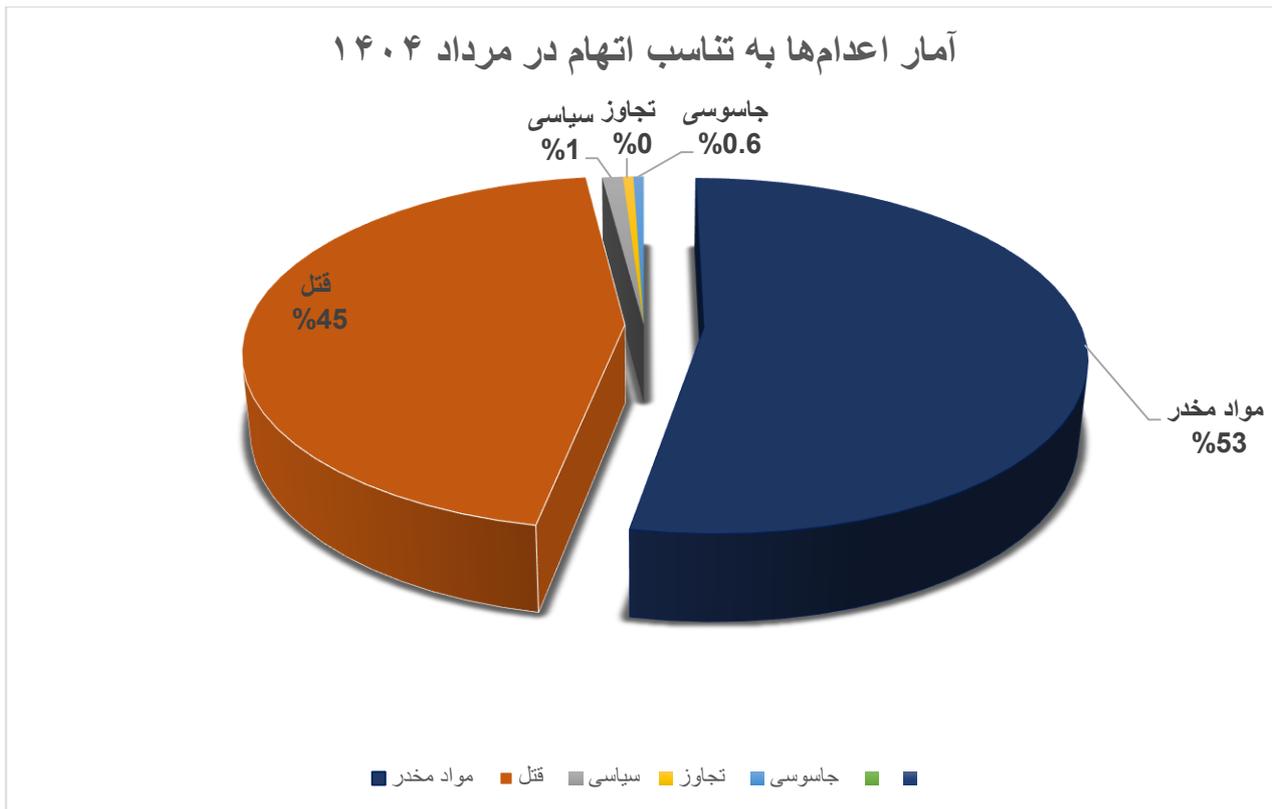
تحلیل ترکیب اعدام‌شدگان نیز بیانگر الگوهای نگران‌کننده است. حضور ۷ زن در میان اعدام‌شدگان نشان می‌دهد که با وجود اعتراضات گسترده جهانی و تأکید بر شکنندگی موقعیت حقوقی و اجتماعی زنان در ایران، صدور و اجرای احکام مرگ علیه آنان همچنان ادامه دارد. این امر بار دیگر به ماهیت جنسیت‌زده و تبعیض‌آمیز نظام قضایی جمهوری اسلامی دلالت دارد.

علاوه بر این، اعدام دست کم ۴۷ زندانی از اقلیت‌های قومی، شامل ۱۹ زندانی بلوچ و ۲۸ زندانی کرد، نه تنها تبعیض ساختاری علیه گروه‌های اقلیتی را آشکار می‌سازد، بلکه به شکلی عریان نشان‌دهنده بی‌اعتنایی به معیارهای دادرسی عادلانه است. بسیاری از این پرونده‌ها با اتهامات امنیتی مبهم شکل گرفته و گزارش‌های متعدد از شکنجه و اخذ اعترافات اجباری پیش از صدور حکم حکایت دارد.

این مجموعه داده‌ها روشن می‌سازد که سیاست اعدام در ایران فراتر از یک سازوکار قضایی، به ابزاری سیاسی و امنیتی برای سرکوب گروه‌های آسیب‌پذیر، زنان و اقلیت‌ها بدل شده است؛ ابزاری که کارکرد اصلی آن تحکیم فضای رعب و مهار جامعه‌ای است که حاکمیت از کنترل آن بیم دارد.

رآیند آماری و کیفی اعدام‌ها در شش ماه نخست سال ۱۴۰۴، چشم‌اندازی هولناک از ابعاد گوناگون نقض حقوق بشر در ایران ترسیم می‌کند. آنچه در این داده‌ها برجسته است، عبارت است از: پنهان‌سازی سازمان‌یافته واقعیت‌ها، بهره‌گیری نمایشی از اعدام‌های علنی برای ایجاد رعب، استمرار صدور حکم مرگ علیه زنان، و تمرکز سنگین بر سرکوب اقلیت‌های قومی.

این الگوها به وضوح نشان می‌دهد که در بستر بحران‌های سیاسی و اجتماعی کنونی، جمهوری اسلامی اعدام را نه به عنوان یک فرایند قضایی، بلکه به مثابه ستون محوری سیاست امنیتی و ابزاری برای کنترل جامعه به کار می‌گیرد. در نتیجه، هر اعدام فراتر از یک مجازات فردی، بخشی از راهبرد کلان حکومت برای تحکیم بقا و بازتولید ترس در جامعه است.



بر اساس داده‌های «لیگ حقوق بشر زندانیان ایران»، در شهریور دوماه ۱۴۰۳ شمار اعدام‌های ثبت شده ۷۰ مورد بود. این رقم در شهریور ماه ۱۴۰۴ به دست کم ۱۹۶ مورد افزایش یافت؛ رقمی که حاکی از رشدی بیش از ۳۴ درصد در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته است. چنین افزایشی را باید نشانه‌ای جدی از تشدید توسل حکومت به مجازات اعدام دانست؛ اقدامی که برخلاف تعهدات بین‌المللی ایران از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، اصل حق حیات و ممنوعیت مجازات‌های بی‌رحمانه و غیرانسانی را نقض می‌کند.

👥 تحلیل بر اساس ویژگی‌های اعدام‌شدگان

جنسیت و سن

👩 زنان:

فروردین: ۵ زن

اردیبهشت: ۷ زن

خرداد: ۴ زن

تیر: ۱ زن

مرداد: ۵ زن

شهریور: ۷ زن

گزارش مرکز آمار «لیگ حقوق بشر زندانیان ایران» نشان می‌دهد که در شهریورماه دست کم ۷ زن در زندان‌های مختلف ایران اعدام شدند؛ رقمی که در کنار آمار شش‌ماهه نخست سال جاری، بخش مهمی از ۳۰ زن اعدام‌شده از ابتدای سال ۱۴۰۴ را تشکیل می‌دهد. این تمرکز آماری خود گواهی است بر روند نگران‌کننده‌ای که حاکی از استمرار استفاده نظام قضایی از حکم مرگ علیه زنان، علی‌رغم اعتراضات بین‌المللی، است.

بخش عمده‌ای از این زنان با اتهام «قتل عمد» به پای چوبه دار کشانده شده‌اند، در حالی که اغلب آنان در جریان رسیدگی قضایی از حق دفاع مؤثر، وکیل مستقل و روند دادرسی عادلانه محروم بوده‌اند. بررسی پرونده‌ها و شهادت‌های موجود بیانگر آن است که بسیاری از این اتهامات در بستر شرایط اجتماعی و خانوادگی پیچیده‌ای شکل گرفته و صدور حکم اعدام نه به‌عنوان یک پاسخ عادلانه، بلکه به‌مثابه ابزاری برای نمایش «اقتدار قضایی» به کار رفته است.

تنها در شهریورماه، اعدام چهار زن با هویت‌های مشخص. ملیحه حقی (۳۴ ساله)، میترا یاسینی، بانو مقدم (۶۰ ساله)، گوهر طاهری اقدم (۵۲ ساله) و زهرا فتوحی (۵۲ ساله). به همراه یک زن دیگر با هویت نامعلوم در زندان سبزوار به اجرا درآمد. اتهام همه آنان «قتل» عنوان شده است. علاوه بر این، حدیقه آبادی به اتهام جرایم مرتبط با مواد مخدر در زندان تبریز اعدام شد.

مکان‌های پراکنده اجرای این اعدام‌ها در زندان‌های تبریز، شیراز، ابهر، زنجان، قزوین و سبزوار نشان می‌دهد که برخورد با زنان محکوم به مرگ، یک پدیده استثنایی یا محدود به یک حوزه جغرافیایی نیست، بلکه الگویی فراگیر و سیستماتیک در سطح ملی است.

این روند، در کنار وضعیت خاص زنان در جامعه ایران و ضعف حمایت‌های حقوقی و اجتماعی از آنان، حاکی از آن است که زنان محکوم به اعدام یکی از آسیب‌پذیرترین گروه‌های قربانیان نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی محسوب می‌شوند؛ گروهی که سرنوشتشان بیش از هر زمان دیگری نیازمند توجه و اقدام فوری جامعه جهانی است.

موارد خاص اعدام‌شدگان سیاسی

فروردین ۱۴۰۴:

- مالک علی فدایی نسب
- فرهاد شاکری
- عبدالحکیم عظیم گرگیج
- عبدالرحمان گرگیج
- تاج محمد خرمالی
- علی دهانی

اردیبهشت ۱۴۰۴:

- حمید حسین نژاد حیدرانلو (مخفیانه در زندان ارومیه)
- رستم زین‌الدینی (حاجی گل) - زندان زاهدان

خرداد ۱۴۰۴:

- مجاهد کورکور (عباس کورکوری) (از بازداشت شدگان قیام ۱۴۰۱)

تیر ۱۴۰۴:

- محمد امین مهدوی شایسته (۲۳ ساله) پرونده وی در مرحله اعاده دادرسی قرار داشت و روند قضایی آن هنوز به پایان نرسیده بود.
- ادریس عالی: کولبر ۳۳ ساله به اتهام جاسوسی
- آزاد شجاعی: ۴۵ ساله نیز کولبر به اتهام جاسوسی
- رسول احمد رسول: شهروند گرد تبعه عراق اهل سلیمانیه

مرداد ۱۴۰۴:

- بهروز احسانی اسلاملو به اتهام بغی، محاربه و عضویت در سازمان مجاهدین خلق
- مهدی حسنی به اتهام بغی، محاربه و عضویت در سازمان مجاهدین خلق
- مهدی اصغر زاده زندان عقیدتی اهل سنت به اتهام عضویت در داعش
- روزبه وادی متخصص و دانشمند هسته ای و عضو پژوهشگاه علوم و فنون هسته ای به اتهام جاسوسی

شهریور ۱۴۰۴:

- مهران بهرامیان از بازداشت شدگان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱
- یک زندانی عقیدتی (هویت نامعلوم)

مخفی کاری حکومتی

ماه	اعدام کل	اعلام رسمی	مخفی شده	درصد مخفی کاری
فروردین	۸۶	۰	۸۳	٪۱۰۰
اردیبهشت	۱۷۲	۱۱	۱۶۱	٪۹۳,۴
خرداد	۱۴۴	۱۶	۱۲۸	٪۸۸,۵
تیر	۸۸	۱۰	۷۸	٪۸۸
مرداد	۱۷۶	۷	۱۶۹	٪۹۶
شهریور	۱۹۶	۸	۱۸۸	٪۹۹,۵

از میان ۱۹ مورد اعدام ثبت شده در شهریور ماه ۱۴۰۴، تنها ۸ مورد (یعنی حدود ۴٪) توسط رسانه‌ها و منابع رسمی جمهوری اسلامی اعلام شده‌اند. این یعنی حدود ۹۹٪/۵ از اعدام‌ها در سکوت کامل و با پنهان کاری هدفمند اجرا شده‌اند و تنها به واسطه تلاش‌های مستمر نهادهای حقوق بشری و خانواده‌های قربانیان افشا شده‌اند. این سطح از اختفا و سانسور در شرایطی رخ داده بسیاری از خانواده‌ها از ترس فشارهای امنیتی و یا به دلایل فرهنگی و اجتماعی از انتشار خبر اعدام عزیزانشان خودداری می‌کنند و فضای عمومی جامعه نیز تحت کنترل شدید امنیتی است. چنین مخفی کاری گسترده‌ای نشان می‌دهد که حکومت نه تنها در پی افزایش اعدام‌هاست، بلکه عامدانه می‌کوشد افکار عمومی را از ابعاد واقعی سرکوب در کشور بی‌اطلاع نگه دارد.

نمودار زیر نسبت اعدام‌های منتشر شده توسط حکومت و اعدام‌های مخفی را نشان می‌دهد:



🌐 جمهوری اسلامی ایران و نقض سیستماتیک استانداردهای بین‌المللی در استفاده از مجازات اعدام

در حالی که بخش بزرگی از جامعه جهانی به سوی محدودسازی و لغو مجازات اعدام پیش می‌رود، جمهوری اسلامی ایران همچنان در جایگاه دوم بالاترین نرخ اعدام در جهان قرار دارد و به صورت سیستماتیک اصول بنیادین حقوق بشر را نادیده می‌گیرد.

! نقض صریح کنوانسیون‌های بین‌المللی توسط ایران:

ایران با وجود عضویت در برخی از مهم‌ترین معاهدات بین‌المللی حقوق بشری، در عمل هیچ‌گونه پایبندی واقعی به تعهدات خود ندارد و مفاد این کنوانسیون‌ها را به‌طور مکرر نقض می‌کند:

- **✗ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR)** که بر حق حیات، ممنوعیت شکنجه، و تضمین دادرسی عادلانه تأکید دارد.
- **✗ کنوانسیون حقوق کودک (CRC)** که اعدام کودکان زیر ۱۸ سال را به‌صراحت ممنوع کرده است.
- **✗ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (CEDAW)** که ایران عضو آن نیست، اما قوانین و رویه‌هایش در خصوص زنان اعدام‌شده، تبعیض و خشونت ساختاری علیه زنان را تشدید می‌کند.
- **✗ اصول راهنمای سازمان ملل برای استفاده از مجازات اعدام** که این مجازات را باید به "محدودترین و شدیدترین جرائم" و با دادرسی کامل و بی‌نقص محدود کند - چیزی که در ایران به‌ندرت رعایت می‌شود.

۲- احکام اعدام و شلاق در شهریور ۱۴۰۴؛

استمرار چرخه سرکوب قضایی

در شهریورماه ۱۴۰۴، روند صدور و تأیید احکام اعدام ابعاد نگران‌کننده‌ای به خود گرفت. بر اساس گزارش‌ها، در این ماه دست کم ۹ نفر به اعدام محکوم شدند و حکم اعدام ۴ زندانی دیگر نیز از سوی دیوان عالی کشور مورد تأیید قرار گرفت.

در میان این احکام، تنوع اتهامات چشمگیر است: یک زندانی سیاسی، یک متهم به جاسوسی، هشت زندانی با اتهام قتل، یک نفر به اتهام سقط غیرقانونی جنین و دو نفر به اتهام تجاوز به مرگ محکوم شدند. همچنین در میان محکومان، یک زن به نام **کلثوم اکبری** به اتهام قتل ۱۱ همسرش در طول دو دهه گذشته به ۱۰ بار اعدام محکوم گردید؛ حکمی که به‌وضوح ماهیت نمادین و نمایشی دستگاه قضایی در صدور مجازات‌های مرگ را نشان می‌دهد.

دیوان عالی کشور نیز در همین ماه حکم اعدام چهار متهم به قتل را تأیید کرد که یکی از این احکام به اجرای علنی در ملاً عام اختصاص داشت. همچنین حکم اعدام یک زن متهم به قتل در میان موارد تأیید شده قرار گرفت.

از میان محکومان جدید، **پژمان توبره‌ریزی**، زندانی سیاسی، به اتهام «بغی»، «افساد فی‌الارض» و عضویت در سازمان مجاهدین خلق، توسط شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی عموزاد به اعدام محکوم شد. در همین حال، **ناصر بکرزاده** نیز به اتهام «جاسوسی برای اسرائیل» در شعبه یک دادگاه انقلاب ارومیه به ریاست قاضی شاهینی حکم مرگ دریافت کرد.

این تحولات در حالی رخ داد که تنها یک ماه پیش نسبت به خطر اجرای حکم **بابک شهبازی**، زندانی سیاسی متهم به جاسوسی، هشدار داده شده بود؛ اما متأسفانه در شهریورماه این حکم به اجرا درآمد. این همزمانی، بیش از پیش بیانگر شتاب حکومت در استفاده از اعدام به‌عنوان ابزاری برای حذف سیاسی و سرکوب اجتماعی است.

صدور احکام شلاق؛ ابزار تحقیر و شکنجه قانونی

علاوه بر موج صدور احکام اعدام، در شهریور ماه برای **4 زندانی و متهم** مجموعاً بیش از **3۰۰ ضربه شلاق** تعیین شد.

یک متهم به دریافت رشوه و سوءاستفاده از جایگاه شغلی در یزد به ۳۶ ضربه، یک متهم به سرقت مقرون به آزار به ۴۷ ضربه شلاق محکوم شدند. همچنین مدیر کل سابق اداره ترشاد گیلان و هم‌پرونده‌ای وی به اتهام جرایم جنسی هرکدام به ۱۰۰ ضربه شلاق محکوم شدند. شلاق همچنان در قوانین جمهوری اسلامی به‌عنوان یکی از ابزارهای مجازات مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ ابزاری که عملاً کارکردی جز **شکنجه رسمی و تحقیر زندانیان** ندارد. این در حالی است که بر اساس اسناد معتبر بین‌المللی، از جمله میثاق حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون منع شکنجه، چنین مجازات‌هایی به‌طور مطلق ممنوع اعلام شده‌اند.

تداوم صدور احکام شلاق در کنار گسترش روزافزون مجازات اعدام، تصویری روشن از یک **سیاست سرکوب سازمان‌یافته** ارائه می‌دهد؛ سیاستی که نه تنها زندانیان سیاسی، بلکه طیف گسترده‌ای از فعالان مدنی، روزنامه‌نگاران، معلمان و سایر اقشار جامعه را در بر می‌گیرد.

این رویکرد بار دیگر نشان می‌دهد که نظام قضایی ایران به جای اجرای عدالت، به **ابزاری برای سرکوب و اعمال خشونت حکومتی** بدل شده است. در چنین شرایطی، ضرورت اقدام فوری و قاطع‌تر نهادهای بین‌المللی برای توقف این چرخه خشونت و نقض سیستماتیک حقوق بشر بیش از پیش برجسته می‌شود.

- در شهریور ۱۴۰۴ دست کم ۸۵ شهروند به دلایل سیاسی، عقیدتی یا بیان نظرات خود در فضای مجازی بازداشت شدند. در میان بازداشت‌شدگان:
 - زندانیان سیاسی سابق
 - خانواده‌های دادخواه، فعالان سیاسی
 - فعالان سیاسی، مدنی، رسانه‌ای و فضای مجازی
 - وکلای دادگستری
 - هنرمندان، معلمان و ورزشکاران
 -
 - هدف سرکوب‌های گسترده قرار گرفتند.
 -
- در پی فشار بر وکلای مستقل و بازداشت دست کم سه وکیل در استان گیلان، ۱۰ وکیل دیگر نیز به مراکز قضایی و امنیتی به اتهام تبلیغ علیه نظام احضار شدند.
- دست کم ۱۸ شهروند از فعالان صنفی معلمان در شهرضا در پی برگزاری و شرکت در نشست شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، بعد از ضبط وسایل شخصی حاضرین از جمله تلفن‌های همراهشان، آزاد شدند، از این میان تنها مسعود فرهیخته بازداشت و به زندان منتقل شد.

این موج بازداشت‌ها نشان‌دهنده تداوم سیاست نظام‌مند سرکوب آزادی بیان و اندیشه در ایران است؛ اقدامی که نه تنها ناقض اصل ۱۹ و ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی، بلکه مغایر با تعهدات بین‌المللی ایران در زمینه حقوق مدنی و سیاسی است.

وقایع درون زندان‌ها

تشدید فشار بر زندانیان سیاسی و نقض حقوق بشر در شهریور ۱۴۰۴

در تداوم فشار بر زندانیان سیاسی گروهی از زندانیان سیاسی قرچک ورامین از جمله گلرخ ایرایی، ارغوان فلاحی، ندا فتوحی، سکینه پروانه، مینا مشهدی، پریوش مسلمی، نسیم سلطان‌بیگی، مرضیه فارسی، آذر کروندی، ناهید خداجو و فروغ تقی‌زاده، زهره سرو و شماری دیگر طی ماه گذشته از امکان برخورداری ملاقات حضوری با وکلا و خانواده خود منع شدند. این موضوع بدلیل سردادن شعار بعد از قطعی برق صورت گرفت.

جان‌باختن زندانیان در شهریور ماه

در شهریور ماه، دست کم ۷ زندانی در زندان‌های مختلف کشور جان خود را از دست دادند:

۱. علی سعیدی گراوند، زندانی محکوم به اعدام در زندان قزلحصار کرج بدلیل سکت و عدم رسیدگی سریع جان باخت.

۲. امیر امیری، زندانی محکوم به اعدام در زندان قزلحصار کرج بدلیل بیماری و عدم اعزام به مراکز درمانی فوت کرد.
۳. یعقوب سبزی، زندانی محکوم به اعدام در زندان یزد اقدام به خودکشی کرده و جان باخت. نبود خدمات روان درمانی و عدم نظارت های کافی و فشارهای ناشی از روند قضایی منجر به صدور حکم اعدام از جمله دلایل مطرحه است.
۴. فرهاد کبدانی، در زندان یزد به دلیل ایست قلبی و تعلل در اعزام به مرکز درمانی فوت کرد.
۵. مریم شهرکی، متهم مالی در زندان کجویی به دلیل ایست قلبی و تعلل در اعزام به مرکز درمانی فوت کرد.
۶. جمیله عزیزی، متهم مالی در زندان قرچک بدلیل بیماری و عدم اعزام به مراکز درمانی فوت کرد.
۷. محمد منقلی، در زندان یزد به دلیل ایست قلبی و تعلل در اعزام به مرکز درمانی فوت کرد.

محکومیت های قضایی و اجرای احکام

در شهریور ماه برای ۲۷ پرونده مرتبط با متهمان سیاسی و عقیدتی، احکام قضایی صادر شد.

- جمع کل احکام حبس صادرشده: ۵۷ سال، ۴ ماه و ۱ روز
- مجموع جزای نقدی: ۳۸۰,۸۰۰,۰۰۰ تومان

همچنین ۴ محکوم سیاسی برای اجرای احکام صادره بازداشت شدند. افراد محکوم شده شامل فعالان سیاسی، کارگری، وکلای دادگستری، معلمان، هنرمندان، نویسندگان، روزنامه نگاران، روحانیون اهل سنت و تشیع، کاربران فضای مجازی و فعالین اتنیکی بوده اند.

حوادث کارگری:

به دلیل نبود ایمنی کافی، در مرداد ماه:

- ۳۴ کارگر در حین کار جان باختند
- ۴۵ کارگر دیگر دچار مصدومیت شدند

عوامل اصلی این حوادث عبارتند از:

- نبود تجهیزات ایمنی استاندارد
- عدم آموزش و نظارت کافی
- سهل انگاری کارفرمایان

به گفته معاون وزارت بهداشت، سالانه حدود ۱۰ هزار نفر در ایران بر اثر حوادث کار جان می‌بازند. آمار رسمی بیش از ۲۰۰۰ مرگ سالانه را ثبت می‌کند، اما کارگران غیررسمی، کولبران و سوخت‌بران در این آمار گنجانده نمی‌شوند.

اخراج کارگران

در تیرماه، دست کم ۱۷۰ نفر از کار اخراج شدند. از جمله:

- شرکت ذوب آهن شاهرود، ۳۰ نفر از کارگران خود را به دلیلی قطع مکرر برق اخراج کرد، ۳۰۰ کارگر دیگر نیز در خطر اخراج قرار دارند.
- شرکت وزان پروژه ساخت بیمارستان ۵۴۰ تختخوابی ایرانشهر، ۲۵ کارگر
- سد کارون: ۳۰ نفر اخراج

خشونت علیه زنان

در شهریور ماه:

- ۱۳ زن مورد خشونت قرار گرفته و ۹ نفر از این زنان به قتل رسیدند.

۹ نفر از این قربانیان بدلیل اختلافات خانوادگی متأثر از فقر اقتصادی و فرهنگی و نبود سیستم حمایتی و نظارتی توسط اطرافیان خود به قتل رسیدند، دو نفر مورد اسید پاشی قرار گرفته، ۱ زن توسط همسر خود به آتش کشیده شد و ۱ دختر دیگر بر اثر شلیک گلوله توسط پدرش مجروح شد.

اعتراضات و اعتصابات

با وجود فضای امنیتی شدید، در مرداد ماه:

- بیش از ۴۲۰ تجمع و حرکت اعتراضی در اقصی نقاط کشور برگزار شد
- کمپین «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» به هفته ۱۸۷ام رسید

در این چارچوب، زندانیان سیاسی در ۵۲ زندان دست به اعتصاب غذا زدند و خانواده‌های آن‌ها نیز در روزهای سه‌شنبه تجمع اعتراضی برگزار کردند.

اعتصاب غذا در زندان‌هایی از جمله اوین، قزلحصار، مشهد، ارومیه، اهواز، تبریز، سنندج، بوکان، یاسوج، و... جریان داشت.

بازنشستگان تامین اجتماعی، مخابرات و... نیز در اعتراض به حقوق پایین، تبعیض، وضعیت نابسامان معیشتی، فقر، تورم و گرانی تجمع کرده و با شعارهای حق طلبانه خواستار تحقق مطالبات و احقاق حقوق پایمال شده خود شدند.

همچنین کارگران صنایع نفت و گاز در ده‌ها منطقه مختلف کشور علیه عدم پرداخت کامل حقوق، تبعیض در پرداخت‌ها و تضييع حقوق شغلی دست به اعتراض زدند. مطالبات اصلی آنان شامل: اجرای کامل فوق‌العاده مناطق عملیاتی، حذف سقف حقوق، پرداخت سنوات کامل، لغو کسورات غیرقانونی بازنشستگی، بازگرداندن مالیات‌های کسر شده خلاف قانون و اجرای کامل ماده ۱۰ وظایف و اختیارات وزارت نفت بود.

افزون بر این، گروه‌های مختلفی همچون کارگران، کارمندان، مالباختگان، کشاورزان، پرستاران، رانندگان و... نیز در اعتراض به بی‌توجهی مسئولان به مطالباتشان و ناتوانی در حل مشکلات اساسی، بارها دست به تجمع اعتراضی زدند.

جمع‌بندی

بررسی تحولات شهریور ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که افزایش بی‌سابقه‌ی اعدام‌ها در ایران یک رویداد مقطعی نیست، بلکه بخشی از سیاست سازمان‌یافته‌ی سرکوب به شمار می‌رود. استفاده گسترده از مجازات مرگ، همراه با شکنجه، بازداشت‌های خودسرانه، مرگ در بازداشتگاه‌ها و سایر موارد نقض حقوق بشر، بیانگر نقض سیستماتیک تعهدات بین‌المللی ایران است؛ از جمله حق حیات (ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی)، منع شکنجه (ماده ۷) و اصول دادرسی عادلانه.

سونامی اعدام‌ها فراتر از بُعد حقوقی، نشانه‌ای از بحران عمیق مشروعیت و شکاف روزافزون میان حکومت و جامعه است؛ جایی که به‌جای پاسخ به مطالبات مردم، سیاست مرگ و ارباب جایگزین اصلاح و گفت‌وگو شده است. چنین روندی نه‌تنها نقض آشکار کرامت انسانی است، بلکه در بلندمدت به بی‌ثباتی بیشتر و تعمیق شکاف‌های اجتماعی می‌انجامد.

با وجود این سرکوب، مقاومت جامعه در قالب کارزارهایی چون «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» و اعتراضات اجتماعی نشان می‌دهد که مردم ایران در برابر سیاست خشونت‌محور تسلیم نشده‌اند. این پایداری، همراه با توجه و حمایت نهادهای بین‌المللی، می‌تواند زمینه فشار مضاعف برای توقف چرخه اعدام‌ها و پاسخ‌گویی حکومت را فراهم آورد.

در نهایت، گزارش تأکید می‌کند که مقابله با موج اعدام‌ها تنها یک ضرورت حقوقی و انسانی نیست، بلکه پیش‌شرط پاسداری از کرامت انسان و گشودن چشم‌اندازی برای گذار به جامعه‌ای آزاد و عادلانه است.